

فصل سوم

ادبیات غنایی

درس ششم

مهر و وفا

گفتم که ماه من شوگفتا اگر برآید
گفتا ز خویرویان این کار کمتر آید
گفتا که شبرو است او از راه دیگر آید
گفتا اگر بدانی هم اوت رهبر آید
گفتا خنک نسیمی کز کوی دلبر آید
گفتا تو بندگی کن کاو بنده پرور آید
گفتا مگوی با کس تا وقت آن درآید
گفتا خموش حافظ، کاین غصه هم سرآید.
حافظ

۱ گفتم غم تو دارم گفتا غمت سر آید
گفتم ز مهرورزان رسم وفا بیاموز
گفتم که بر خیالت راه نظر بیندم
گفتم که بوی زلفت گمراه عالمم کرد
۵ گفتم خوشا هوایی کز باد خُلد خیزد
گفتم که نوش لعلت ما را به آرزو کشت
گفتم دل رحیمت، کی عزم صلح دارد
گفتم زمانِ عشرت، دیدی که چون سرآمد

متن پژوهی

قلمرو زبانی

۱- در متن درس، هر واژه زیر، در چه معنایی به کار رفته است؟

خُلد(.....) عشرت(.....) شبرو(.....)

فصل سوم فارسی دهم محسنی
 ۲- گاهی ضمیر، در جایگاه اصلی خود قرار نمی‌گیرد، از جای خود می‌پرد و در جای دیگر می‌نشیند؛ به این جابه‌جایی ضمیر، پرش یا جهش ضمیر می‌گویند.؛ نظیر نحوه کاربرد ضمیر، در بیت زیر:

ای بی‌نشان محض، نشان از که جویمت؟ گم‌گشت در تو هر دو جهان از که جویمت؟ عطار
 اکنون در شعری که خواندید، نمونه‌ای از جهش ضمیر را مشخص کنید.

۳- با توجه به ساختمان واژه، کلمات مناسب را از متن درس بیابید و در جدول زیر قرار دهید.

| ساده | مرکب | مشق |
|------|------|-----|
| | | |

قلمرو ادبی

- ۱- قافیه و ردیف را در بیت آغازین و پایانی شعر حافظ مشخص کنید.
- ۲- «تخلص» را در این سروده بیابید.
- ۳- چرا این شعر حافظ، نمونه‌ای از «مناظره» به شمار می‌آید؟
- ۴- هرگاه یک کلمه، به چند معنا در کلام به کار برود، آرایه «ایهام» پدید می‌آید؛ ایهام، در لغت، به معنای «به وهم و گمان انداختن» همانگونه که در مصراع «چون بوی تو دارد جان، جان را هله بنوازم»، کلمه «بوی» در دو معنای مختلف «رایحه» و «آرزو» به کار رفته است.
 نمونه‌ای از این آرایه ادبی را در متن درس بیابید.

قلمرو فکری

- ۱- از متن درس، برای هر یک از مفاهیم زیر، نمونه‌ی بیتی انتخاب کنید.
 - اطاعت و فرمان‌پذیری
 - طلب عنایت و بخشش
- ۲- بیت زیر، با کدام قسمت از سروده حافظ، ارتباط مفهومی دارد؟
 غم و شادی جهان را نبود هیچ ثبات هر زمان حال وی از شکل دگر خواهد شد سنایی
- ۳- درک و دریافت خود را از بیت چهارم، بنویسید.
- ۴-

گنج حکمت

حُقه راز

روزی یکی نزدیک شیخ آمد و گفت: «ای شیخ آمده‌ام تا از اسرار حق چیزی با من نمایی». شیخ گفت: «باز گرد تا فردا». آن مرد بازگشت، شیخ بفرمود تا آن روز موشی بگرفتند و در حقه کردند و سر حقه محکم کردند. دیگر روز آن مرد باز آمد و گفت: «ای شیخ آنچه وعده کرده ای بگوی». شیخ بفرمود تا آن حقه را به وی دادند و گفت: «زینهار، تا سر این حقه باز نکنی». مرد حقه را برگرفت و به خانه رفت و سودای آتش بگرفت که آیا در این حقه چه سرّ است؟ هر چند صبر کرد نتوانست، سر حقه باز کرد و موش بیرون جست و برفت. مرد پیش شیخ آمد و گفت: «ای شیخ من از تو سرّ خدای تعالی طلب کردم، تو موشی به من دادی؟!» شیخ گفت: «ای درویش، ما موشی در حقه به تو دادیم، تو پنهان نتوانستی داشت، سرّ خدای را با تو بگویم، چگونه نگاه خواهی داشت؟!»

عارف که ز سرّ معرفت آگاه است بی خود ز خود است و با خدا همراه است
نفسی خود و اثبات وجود حق کن این معنی لا اله الا الله است
اسرار التوحید، محمد بن منور

درس هفتم

نیک‌رویی و نیک‌خویی

بدان که قرآن مانند است به بهشت جاودان؛ در بهشت از هزار گونه نعمت است و در قرآن از هزار گونه پند و حکمت است. در بهشت قصور و درجات است، در قرآن سُور و آیات است. در بهشت انهار و اشجار است و در قرآن اخبار و اعتبار است. در جنان، عیش حمید است و در قرآن وعد و

فصل سوم فارسی دهم محسنی

وعید است. ندانم تا قرآن نسختی از بهشت جاودان است یا بهشت خود در طی جمال قرآن نهان است؟

زینت قرآن، بی جمال بهشت تمام است و زینت بهشت، بی جمال و کمال قرآن ناتمام است.

[و] مَثَلِ قرآن، مَثَلِ آب است روان؛ در آب، حیات تن‌ها بود و در قرآن حیات دل‌ها بود. آب را صفت طهارت است؛ چون تن به نجاست بیالاید، به آب پاک گردد، و قرآن را صفت، طهارت است، چون تن به گناه و ذلّت بیالاید، به قرآن پاک گردد.

ای دوست! چند به دنیا رغبت کنی و با خلق در راه طلب او تجارت کنی؟ رو درمان کار خود کن و اگر معاملت می‌کنی، با حق کن، که تا خلق سود خود نبیند، با تو معاملت نکنند! هر کس که روی از معاملت با خلق بتافت، دنیا و آخرت در راه معاملت با حق بیافت.

در عالم، نعمت بسیار است و لکن آب نیکوترین نعمت هاست، و در قرآن، قصّه‌ها بسیار است و لکن قصّه یوسف (ع) نیکوترین قصّه هاست.

این قصّه عجب‌ترین قصّه هاست؛ زیرا که در میان دو ضد جمع بود: هم فُرْقَت بود و هم وُصْلَت؛ هم محنت بود، هم شادی؛ هم راحت بود، هم آفت؛ هم وفا بود، هم جفا؛ هم مالکی بود، هم مملوکی؛ در بدایت بند و چاه بود، در نهایت تخت و گاه بود؛ به اوّل بیم و هلاک بود و به آخر عزّ و مُلک بود؛ پس چون در او این چندین اندوه و طُرب بود، در نهاد خود شگفت و عجب بود.

گفته‌اند «نیکوترین»، از بهر آن بود که یوسف صدیق وفادار بود و یعقوب خود او را به صبر آموزگار بود، و زلیخا در عشق و درد او بی‌قرار بود، و اندوه و شادی در این قصّه بسیار بود، و خبردهنده از او ملک جبّار بود؛ فلاجرم حدیث ایشان نیکوترین احادیث اهل روزگار بود.

قصّه حال یوسف را نیکو نه از حسن صورت او گفت، بلکه از حسن سیرت او گفت؛ زیرا که نیکو خو، بهتر هزار بار از نیکو رو. نبینی که یوسف را از روی نیکو بند و زندان آمد و از خوی نیکو امر و فرمان آمد؛ از روی نیکوش حبس و چاه آمد، و از خوی نیکوش تخت و گاه آمد. چون روی نیکوش بسته بند و هوی کرد، خوی نیکوش از بند مکر و نفس و هوی جدا کرد.

پادشاه عالم خبر که داد در این قصّه، از حسن سیرت او داد، نه از حسن صورت او داد، تا اگر نتوانی که صورت خود را چون صورت او گردانی، باری بتوانی که سیرت خود را چون سیرت او گردانی.

آنکه گفتیم سیرتش نیکوترین سیرت‌ها بود، از بهر آنکه در مقابله جفا، وفا کرد و در مقابله زشتی، آشتی کرد و در مقابله لثیمی، کریمی کرد.

برادران یوسف، چون او را زیادت نعمت دیدند، و یعقوب را بدو میل و عنایت دیدند، آهنگ

فصل سوم فارسی دهم محسنی
 کید و مکر و عداوت کردند تا مگر او را هلاک کنند و عالم از آثار وجود او پاک کنند. تدبیر برادران
 برخلاف تقدیر رحمان آمد. ملک تعالی او را دولت بر دولت زیادت کرد و مملکت و نبوت زیادت بر
 زیادت کرد، تا عالمیان بدانند که هرگز کید کایدان با خواست خداوند غیبان برابر نیاید!
 تفسیر سوره یوسف (ع)، احمد بن محمد بن زید طوسی

متن پژوهی

قلمرو زبانی

- در متن درس، کلماتی را بیابید که در بردارندهٔ یک یا چند حرف از حروف زیر باشند.
 «ص، ط، ظ، ع، غ»
- جدول زیر را کامل کنید.

| واژه | انهار | سُور | اشجار |
|--------|-------|------|-------|
| مترادف | | | |
| مفرد | | | |

- با توجه به متن درس، معادل معنایی کلمه های زیر را بنویسید.
 دولت (.....) کریمی (.....) لثیمی (.....)
- کدام قسمت جملهٔ زیر، حذف شده است؟ چگونه به نبود آن پی بردید؟
 «نیکو خو بهتر هزار بار از نیکو رو.»
- در فارسی معیار و رایج، برخی واژه ها به دو شکل تلفظ می شوند؛ نظیر «مهربان، مهربان»
 در گفتار عادی، از هر دو گونهٔ تلفظی می توان استفاده کرد اما هنگام خواندن شعر، با توجه به وزن و
 آهنگ، باید تلفظ مناسب را انتخاب کرد.
 اکنون در متن درس، واژه های مشابه را بیابید.

قلمرو ادبی

- در بند ششم متن درس، کدام نوع از روابط معنایی واژه ها، بر زیبایی سخن افزوده است؟

- ۲- در جملهٔ زیر، چهار رکن تشبیه را مشخص کنید.
«قرآن مانند است به بهشت جاودان.»
- ۳- در عبارت زیر، کدام واژه ها «جناس» دارند؟
«در مقابلهٔ جفا، وفا کرد و در مقابلهٔ زشتی، آشتی کرد.»
- ۴- به واژه‌هایی که در پایان دو جمله بیابند و از نظر صامت، مصوّت پایانی و یا وزن هماهنگ باشند، کلمات «مسجع» و به آهنگ برخاسته از آنها «سجع» می گویند.
در بند پنجم درس، کلمات مسجع را مشخص نمایید.

قلمرو فکری

- ۱- به چه دلایلی نویسنده معتقد است که: «مَثَلُ قرآن، مَثَلُ آب روان است.»
- ۲- درک و استنباط خود را از عبارت زیر بنویسید.
«در جنان، عیش حمید است و در قرآن، وعد و وعید است.»
- ۳- کدام بخش از متن درس، به مفهوم آیهٔ شریفهٔ «ومکروا و مکرالله واللّه خیرالماکرین.» (آل عمران، آیهٔ ۵۴) اشاره دارد؟
- ۴- هر یک از بیت های زیر، با کدام عبارت درس، ارتباط معنایی دارد؟
- خدمت حق کن به هر مقام که باشی خدمت مخلوق افتخار ندارد عطار
- صورت زیبای ظاهر هیچ نیست ای برادر، سیرت زیبا بیار سعدی
- ۵- داستان حضرت یوسف(ع) در ادب فارسی، نماد کدام مفاهیم است؟
- ۶- دربارهٔ ارتباط مفهومی دو عبارت زیر، توضیح دهید.
- «الصَّبْرُ مِفْتَاحُ الْفَرَجِ» .
- یعقوب، خود او را به صبر آموزگار بود.
- ۷-

شعر خوانی

بی تو به سر نمی شود

۱ بی همگان به سر شود، بی تو به سر نمی شود
دیده عقل، مست تو، چرخه چرخ پست تو
جان ز تو جوش می کند، دل ز تو نوش می کند
جاه و جلال من تویی، ملکت و مال من تویی
۵ گاه سویی وفا روی، گاه سویی جفا روی
بی تو اگر به سر شدی، زیر جهان زیر شدی
گر تو سری، قدم شوم، ور تو کفی، عَلم شوم
خواب مرا بیسته‌ای، نقش مرا بشسته‌ای
گر تو نباشی یار من گشت خراب کار من
۱۰ بی تو نه زندگی خوشم بی تو نه مردگی خوشم
هر چه بگویم ای سَنَد نیست جدا ز نیک و بد
داغ تو دارد این دلم، جای دگر نمی شود
گوش طرب به دست تو، بی تو به سر نمی شود
عقل خروش می کند، بی تو به سر نمی شود
آب زلال من تویی، بی تو به سر نمی شود
آن منی کجا روی؟ بی تو به سر نمی شود
باغ اِرم سَقَر شدی، بی تو به سر نمی شود
ور بروی، عَدَم شوم، بی تو به سر نمی شود
وز همه ام گسسته‌ای، بی تو به سر نمی شود
مونس و غمگسار من بی تو به سر نمی شود
سر ز غم تو چون کشم بی تو به سر نمی شود
هم تو بگو به لطف خود بی تو به سر
مولوی، غزلیات شمس

درک و دریافت

- ۱- تناسب‌های آوایی، برجسته‌ترین ویژگی این شعر است. به هنگام خواندن شعر، آهنگ و موسیقی ویژه‌ای به گوش می‌رسد و سبب دلنشینی و شورانگیزی بیشتر می‌شود. با تقسیم بیت‌ها به پاره‌های موسیقایی، شعر را بازخوانی کنید.
- ۲- چرا این سروده، در ادب غنایی جا می‌گیرد؟